نگاه

نقش خانواده، مدرسه و پلیس در پیشگیری از آسیب

● دانش‌آموزان سرمایه‌های فردای جامعه هستند که سرمایه‌گذاری برای آموزش و پرورش آنان، اصلی‌ترین وظیفه نظام آموزشی و والدین به صورت توأمان است. سرمایه‌گذاری بلندمدتی که مستقیما بر پیشرفت و سلامت جامعه تأثیرگذار است. گذشته از امر آموزش که به صورت رسمی انجام می‌گیرد، پرورش و تربیت کودکان امر مغفول‌مانده‌ای است که هم از طرف سیستم رسمی و هم از طرف خانواده‌ها کمتر به آن توجه می‌شود. از طرفی سبک زندگی مدرن امروزی منجر به ایجاد شکاف عاطفی میان والدین و فرزندان شده که توجه کمتر خانواده‌ای را به تربیت و پرورش فرزندان در پی داشته است.

رفتارهای مخاطره‌آمیز کودک در نقش عابر پیاده: دویدن ناگهانی به سمت خیابان، رهاکردن دست بزرگ‌تر خود هنگام عبور از خیابان، عبور از خیابان از محل‌های غیرمجاز، بی‌توجهی به چراغ عابر پیاده، بازی‌کردن در خیابان، شوخی‌کردن در سطح سواره‌رو، دویدن به دنبال وسیله نقلیه، مطالعه در خیابان، قدم‌زدن چندنفره در سطح سواره‌رو، عجله هنگام گذشتن از سطح سواره‌رو، عبور در شب از خیابان با لباس تیره و در روشنایی ناکافی، توجه‌نکردن به جهت حرکت وسایل نقلیه در خیابان، عبورکردن از جلوی وسیله نقلیه عمومی،عبور از محل پیچ که در آن رانندگان فاقد میدان دید مناسب هستند، پریدن از نرده‌های وسط خیابان.

رفتارهای کودک در نقش سرنشین: نبستن کمربند ایمنی در خودرو، نشستن در صندلی جلو، گفت‌وگو با راننده، بازی‌کردن با دنده و فرمان خودرو، بازکردن درِ خودرو قبل از توقف کامل، مسدودکردن دید پشت سر راننده، تشویق راننده به تندراندن و صحبت‌کردن بیش‌ازحد با راننده، شلوغی و سروصدا در سرویس مدرسه.**پیشنهادهایی برای اصلاح رفتار کودکان:** گام نخست آموزش ترافیک از خانواده آغاز می‌شود و اگر افراد خانواده با فرهنگ ترافیک آشنا شوند و در رفتار خود آن را رعایت کنند، می‌توانند بر فرزندان خود نیز تاثیر بگذارند. مرحله دوم آموزش در مهدکودک‌هاست. مربیان مهدکودک می‌توانند به صورت نظری و عملی کودکان را با عبور و مرور و خطراتی که آنها را تهدید می‌کند، آشنا کنند. می‌توان از بازی‌ها و اشعار و نقاشی برای آموزش بهره گرفت. مرحله سوم آموزش، زمانی است که کودک وارد دبستان می‌شود. این مرحله در صورت عدم توجه کافی می‌تواند خطرناک‌ترین مرحله باشد، زیرا عوامل گوناگونی در این گروه سنی موجب افزایش خطرات می‌شود، از جمله طولانی‌بودن و خطرزابودن مسیر خانه به مدرسه، بازیگوشی کودک، شوخی با همکلاسی‌ها، تمایل به تنهارفتن و به طور مستقل کارکردن. پیشنهاد می‌شود اولیا ضمن شناخت مسیر ایمن خانه و مدرسه، چند روز این مسیر را به همراه فرزند خود طی کنند تا کودک با مشکلات مسیر آشنا شود و یک روز هم می‌توانند بی‌آنکه کودک بفهمد، مراقب او باشند. مرحله چهارم زمانی است که کودک وارد دوره راهنمایی می‌شود. در این مرحله از آموزش، مدرسه نیز مسئولیت هماهنگی با اولیا را دارد. باید ضمن انتخاب گذربان یا پلیس برای کمک به دانش‌آموزان برای عبور ایمن، دانش‌آموزان را فعالانه درگیر کرد. از اولیا و مربیان انتظار می‌رود آداب و رسوم رایج پذیرفته‌شده از جمله فرهنگ ترافیک را به کودکان آموزش دهند. آنان باید به اتفاق کودکان در معابر حاضر شوند، پیاده‌رو و انواع خطوط عرضی و طولی مانند خطوط ایست و گذرگاه عابر پیاده، انواع چراغ‌های راهنمایی (ویژه عابران و وسیله نقلیه) تابلوها و پل‌های روگذر عابران را معرفی و مفاهیم هر کدام از آنها را بازگو کنند، چگونگی عبور از این محل‌ها به‌خصوص خیابان‌های یک‌طرفه و دوطرفه را تعلیم دهند و تمام خطرات و سوانحی را که در صورت عدم رعایت قوانین، جان آنان را تهدید می‌کنند، بازگو کرده و با توجه به سن و میزان یادگیری و موقعیت اجتماعی کودکان، تمام زوایای موضوع را برای آنها تشریح کنند. با همه اینها نقش خانواده از سایر نهادهای جامعه در این زمینه مهم‌تر است؛ بدون‌شک آموزش فرهنگ ترافیک به کودکان که گاه از سوی پلیس، مدرسه و سایر گروه‌های اجتماعی تدارک دیده می‌شود، بدون هماهنگی و اتفاق نظر با خانواده، بی‌تأثیر خواهد بود. موضوعاتی که مطرح شد، مسائل مربوط به حوزه ترافیک بود؛ مسائل دیگری هم وجود دارد که می‌تواند برای کودکان در مسیر خانه به مدرسه یک تهدید محسوب شود. شاید مطرح‌کردن همه خطرات به تفصیل ضرورتی نداشته باشد؛ اما به صورت تیتروار به راهکارهای مقابله با این تهدیدها اشاره می‌کنیم: به کودکانمان تأکید کنیم که به‌هیچ‌وجه از افراد غریبه هدیه یا مواد خوراکی قبول نکنند. به آنها بیاموزیم که هرگز سوار اتومبیل یا موتورسیکلت افراد غریبه نشوند. از فرزندانمان بخواهیم حتی کوچک‌ترین خطرها و تهدیدهایی را که از سوی دیگران در مسیر مدرسه با آن مواجه می‌شوند، به خانواده و مسئولان مدرسه اطلاع دهند. وقت‌شناسی و نظم را به فرزندانمان بیاموزیم و به آنها تأکید کنیم که بلافاصله پس از تعطیل‌شدن مدرسه، به منزل مراجعه کنند. به کودکانمان تأکید کنیم که تحت هیچ شرایطی از وسایل نقلیه شخصی دیگران برای عبور و مرور استفاده نکنند. کودکانمان را از مسائلی که در حوزه مسائل اخلاقی آنها را تهدید می‌کند، بدون انتقال ترس و با بیانی مناسب آگاه کنیم.

معاونت اجتماعی فاتب-
اداره آموزش و مشارکت عمومی

فحاشی به مادر، عشق ۱۸ساله را خونین کرد

شرق: مرد جوانی که پس از ۱۸ سال رابطه با دختری جوان او را به قتل رساند و مثله کرد، پای میز محاکمه رفت.

به گزارش خبرنگار ما، ۲۹ بهمن دو سال قبل خبر کشف جسد مثله‌شده زنی جوان در خیابان یوسف‌آباد از طریق مأموران کلانتری ۱۲۵ یوسف‌آباد به بازپرس کشیک قتل اعلام شد.

با حضور قاضی ایلخانی؛ بازپرس شعبه هشتم دادسرای امور جنایی تهران، در محل کشف جسد مشخص شد جسد مثله‌شده حاوی دو دست و دو پای یک انسان است که از سوی کارگران شهرداری کشف شده است؛ با بررسی‌های بیشتر مشخص شد این جسد متعلق به زن جوانی است که در مکان دیگری به قتل رسیده.

پس از انتقال جسد دختر جوان به پزشکی‌قانونی، تحقیقات گسترده‌ای برای شناسایی هویت مقتول و دستگیری متهم این پرونده آغاز شد تا اینکه سرانجام با اعلام اعضای یک خانواده مبنی‌بر فقدان دخترشان، سهیلا و مطابقت با جسد دختر جوان، هویت مقتول شناسایی شد و در ادامه کارآگاهان به مرد جوانی که با این دختر جوان پیش از قتل در ارتباط بود، مظنون شدند.

تحقیقات از مرد جوان در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت تا اینکه مرد ۴۴ساله، یکم اسفند سال گذشته در اداره دهم پلیس آگاهی حاضر شد، اما منکر قتل دختر جوان شد و اعلام کرد هیچ تماسی از چند روز پیش با مقتول نداشته است.

با توجه به اینکه کارآگاهان احتمال قوی می‌دادند مرد جوان از ماجرای این قتل باخبر باشد، وی بار دیگر دوم اسفند به اداره دهم آگاهی احضار شد، اما این‌بار وی راز این جنایت را فاش کرد و دستگیر شد.

متهم ۴۴ساله در بازجویی‌ها گفت: نمایشگاه ماشین و وضع مالی نسبتا خوبی دارم.

۱۸سال پیش زمانی‌که مسافرکش بودم، سهیلا را در خیابان ولیعصر به‌عنوان مسافر سوار کردم و از آنجا بود که ارتباط ما شکل گرفت؛ در سه سال ابتدای ارتباطم با سهیلا خانواده وی را نمی‌شناختم، اما اندک‌اندک رفت‌وآمدم با خانواده وی نیز شکل گرفت، البته در طول این ۱۸ سال، دوستی‌ام با سهیلا پیوسته نبود و بعضی اوقات دیربه‌دیر او را می‌دیدم.

به‌خاطر مسائل مختلف، آمادگی ازدواج با سهیلا را نداشتم، البته هم من سهیلا را دوست داشتم و هم او به من علاقه‌مند بود.

به تک‌تک اعضای خانواده سهیلا علاقه داشتم، حتی چند سال پیش من راننده ماشین عروس یکی از آشنایان آنها شدم و رابطه ما خیلی نزدیک بود.

صبح روز قتل با وی قرار ملاقات گذاشتم و پس از خوردن صبحانه قرار شد برای خرید به بیرون برویم، زمانی که سوار ماشین شدیم، با سهیلا درباره مسائل مختلفی در حال صحبت بودم، در یک لحظه نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد که سهیلا به مادرم فحاشی کرد، من نیز خودرو را کنار خیابان پارک کردم و چون بسیار عصبانی بودم، یک دستم را روی بینی و دهان سهیلا گذاشتم و با دست دیگر گلویش را فشار دادم، کمتر از یک‌دقیقه وی را خفه کردم؛ زمانی به خودم آمدم که متوجه شدم صورت سهیلا کبود شده است. چون ترسیده بودم و صورت سهیلا کبود شده بود، به همین خاطر نمی‌دانستم چه کاری باید انجام دهم، به‌همین‌دلیل هم جسد را مثله کردم و بعد جسد را داخل کیسه‌ای در سطل زباله‌ای در یوسف‌آباد انداختم.

با تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست، پرونده برای رسیدگی به دادگاه ارسال شد. متهم روز گذشته پای میز محاکمه رفت و بعد از اینکه نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و خواستار صدور حکم قانونی شد، اولیای‌دم در جایگاه حاضر شدند، آنها نیز درخواست حکم قصاص کردند. در ادامه، متهم در جایگاه حاضر شد. او اتهام قتل را قبول کرد و گفت: من حرف تازه‌ای ندارم و گفته‌هایم همان‌هایی است که در دادسرا گفتم. من سهیلا را خیلی دوست داشتم و به‌خاطر اینکه او را به قتل رساندم پشیمان هستم.

با پایان جلسه رسیدگی، هیئت قضات برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند.

بی‌پولی، انگیزه سارقانی که از مردان افغانستانی سرقت می‌کردند

شرق: دو مرد ایرانی که از اتباع افغانستان اخاذی می‌کردند، پای میز محاکمه رفتند و مدعی شدند بی‌پولی علت اصلی این اخاذی‌ها بوده است.

به گزارش خبرنگار ما، یک سال قبل چند مرد افغانستانی به مأموران پلیس مراجعه کرده و مدعی شدند دو مرد ایرانی از آنها اخاذی کرده‌اند. هرچند این مردان هم‌زمان شکایتی را مطرح نکردند، اما چون محتوای شکایت‌ها یکی بود، پلیس متوجه شد با سرقت‌های سریالی روبه‌روست. بر اساس آنچه مأموران به دست آورده بودند، دو مرد ایرانی جلوی اتباع افغانستانی را گرفته و هرچه را در جیب داشتند خالی می‌کردند و این سرقت‌ها هم در شرق تهران اتفاق می‌افتاد.

یکی از شاکیان به مأموران گفت: من افغانستانی هستم، اما وقتی به ایران آمدم، کارهای قانونی را که باید انجام می‌دادم مطابق قوانین انجام دادم و با مجوز کار در ایران زندگی می‌کنم. روز حادثه دو مرد ایرانی جلوی من را گرفتند و به بهانه اینکه مجوزهای من قانونی نیست من را مورد بازرسی بدنی قرار دادند و هرچه پول نقد و کارت عابربانک داشتم را از من گرفتند و دقایقی بعد از اینکه رفتند هم پیامک خالی‌شدن حساب بانکی‌ام برایم آمد.

درحالی‌که مأموران تحقیقات گسترده‌ای را آغاز کردند، متوجه شدند عاملان سرقت دو مرد سابقه‌داری هستند که پیش از این هم چندباری به اتهام سرقت بازداشت و زندانی شده‌اند. به دستور بازپرس، تحقیقات علمی مأموران آغاز شد و آنها با بررسی دوربین نصب‌شده مقابل عابربانک‌ها موفق به شناسایی عاملان سرقت شدند و آنها را در مخفیگاهشان شناسایی و بازداشت کردند. این در حالی بود که در این مدت تعداد شاکیان به ۱۵ نفر رسیده بود. بعد از بازداشت متهمان و بازجویی از آنها، متهمان به سرقت از اتباع افغانستانی اعتراف کرده و جزئیات را توضیح دادند. آنها ضمن قبول اینکه از شاکیان سرقت کرده‌اند، گفتند: ما از روی چهره عابران متوجه می‌شدیم کدام‌یک از آنها ایرانی نیستند و سراغشان می‌رفتیم و به‌عنوان مأمور خودمان را جا می‌زدیم و وادارشان می‌کردیم هرچه را در جیبشان دارند به ما بدهند، بعد هم کارت‌های بانکی آنها را خالی می‌کردیم. درست است که از ۱۵ نفر سرقت کردیم، اما فقط ۲۰ میلیون تومان گیرمان آمد و چیز بیشتری نبود.

با پایان جلسات رسیدگی، متهمان با کمک خانواده‌هایشان موفق شدند از پنج نفر از شاکیان رضایت بگیرند و پرونده آنها با ۱۰ شاکی و صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. متهمان روز گذشته در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شدند. شاکیانی که در جلسه رسیدگی حاضر شده بودند، یک‌بار دیگر توضیح دادند چه اتفاقی برایشان افتاده و خواستار مجازات متهمان شدند.

سپس دو مرد جوان در جایگاه قرار گرفتند. آنها که هر دو سابقه‌دار و از دوستان قدیمی هم هستند، به سرقت اعتراف کرده و گفتند به‌خاطر شرایط بد زندگی مجبور به این کار شده‌اند. متهمان گفتند: ما نه معتاد هستیم و نه تنبل، آنچه باعث شد دست به این کار بزنیم، بی‌پولی و بی‌کاری شدیدی بود که گرفتارش شده بودیم. حالا هم درخواست بخشش داریم و از شاکیان می‌خواهیم خسارت خود را بگیرند و رضایت بدهند.

آغاز تحقیقات ویژه در پرونده قتل دختر صراف

شرق: پدر و مادر دختری که در صرافی پدرش به قتل رسیده بود، با مراجعه به دادسرای جنایی به‌دلیل شناسایی‌نشدن سارقی که فرزندشان را به قتل رسانده بود، درخواست دریافت دیه از بیت‌المال کردند و بازپرس دستور داد تحقیقات یک بار دیگر دراین‌باره به‌صورت ویژه انجام شود.

ماجرای این سرقت مرگ‌بار آخرین روزهای اردیبهشت سال ۹۲ چندصد متر پایین‌تر از میدان فردوسی تهران، اتفاق افتاد و سارق ناشناسی با حمله به فروشنده صرافی او را به قتل رساند. پس از گزارش حمله به یک صرافی مأموران پلیس در محل حاضر شدند و مشخص شد مقداری دلار سرقت شده است. این دزدی خونین حدود ساعت ۱۱ صبح سه‌شنبه ۲۴ اردیبهشت سال ۹۲ در صرافی امین واقع در خیابان فردوسی تهران رخ داد و با گذشت بیش از چهار سال از این سرقت مرگ‌بار پلیس هنوز ردی از قاتل به دست نیاورده است.

در تحقیقات اولیه که مدت کوتاهی پس از آن شروع شد مأموران پی بردند زمان وقوع حادثه، دختر ۴۰ساله صاحب مغازه صرافی به نام گیتی، در مغازه تنها بوده است که مرد جوانی وارد صرافی شده و کارت هدیه‌ای را روی پیشخوان گذاشته و مدعی شده قصد دارد با این کارت مقداری دلار بخرد. دختر جوان قبل از مرگ و هنگامی که زخمی بود برای پدرش توضیح داده بود چه اتفاقی افتاده است، او گفته بود: در برابر خواسته سارقی که وارد مغازه شده مقاومت کرده است. پلیس متوجه شد دختر جوان در پاسخ به این درخواست سارق که می‌خواسته بدون کارت ملی کارش را انجام دهد، گفته بود حتما باید کارت ملی همراه داشته باشد و در غیراین‌صورت نمی‌تواند به او دلار بفروشد. مردِ مشتری که انتظار شنیدن چنین جوابی را نداشته، چند دقیقه‌ای را معطل کرده و بعد با استفاده از فرصت پیش‌آمده به پشت پیشخوان پریده و درحالی‌که قمه‌ای را از زیر لباسش بیرون آورده، ضربه‌ای به شکم گیتی زده است و بعد از سرقت مقداری دلار، معادل حدود ۵۰ میلیون‌تومان از گاوصندوق، به‌سرعت پا به فرار گذاشته است.

پلیس همچنین دریافت که پس از این اتفاق دختر جوان که دچار خون‌ریزی شده، آژیر خطر را به صدا درآورده و چند نفر از مغازه‌داران و پدر گیتی به‌سرعت خود را به صرافی رسانده‌اند و دختر جوان را درحالی‌که غرق در خون بوده، به بیمارستان برده‌اند، اما چند بیمارستان از پذیرش گیتی خودداری کردند تا اینکه در نهایت وی جانش را از دست داد. یکی از شاهدان این جنایت چند ساعت پس از حادثه گفت: «من و خیلی‌های دیگر قاتل را موقع فرار دیدیم. البته آن‌موقع نمی‌دانستیم چه اتفاقی افتاده است. آن مرد به‌سرعت می‌دوید و اصلا حواسش به هیچ‌چیز نبود به طوری‌که موقع فرار مقداری دلار از جیب‌هایش بیرون ریخت و هرچه او را برای برداشتن دلارها صدا زدند توجه نمی‌کرد». مردی که در همسایگی صرافی امین، قنادی دارد نیز گفت: «زمان وقوع حادثه خودم در مغازه نبودم، اما همکارانم تا قبل از به‌صدادرآمدن آژیر متوجه موضوع نشدند و به‌محض شنیدن صدای آژیر به طرف صرافی رفتند، اما قاتل فرار کرده بود». یکی دیگر از شاهدان نیز گفت: «من دیر متوجه موضوع شدم. دقیق نمی‌دانم اما فکر می‌کنم قاتل همدستی داشت که با موتورسیکلت منتظرش بود. قاتل خیلی سریع فرار کرد. از آن طرف پلیس هم زود رسید. شاید حدود پنج‌دقیقه بعد مأموران خودشان را رساندند، اما کار از کار گذشته بود».

درهمین‌حال پدر مقتول و مالک صرافی گفت: من، دختر و پسرم با هم در صرافی کار می‌کردیم. روز حادثه پسرم گفت کاری برایش پیش آمده و نمی‌تواند به مغازه بیاید. من و دخترم با هم به صرافی رفتیم. بعد از چند ساعت برای رفتن به دستشویی از مغازه خارج شدم و شاید پنج دقیقه طول نکشید، وقتی برگشتم دیدم دخترم خون‌آلود افتاده است. بلافاصله او را به بیمارستان چمران بردیم، اما در آنجا او را پذیرش نکردند بعد به بیمارستان‌های آتیه، بهمن و لاله رفتیم، آنها هم قبول نکردند. سپس دخترم را به بیمارستان دادگستری بردیم و در آنجا زخمش را بخیه کردند و گفتند چیز مهمی نیست و تا فردا مرخص می‌شود. وضعیت دخترم خیلی بد بود، نتوانستم طاقت بیاورم، می‌دیدم دخترم دارد جلوی چشمم پرپر می‌شود. دو ساعت بعد او را با رضایت خودم ترخیص کردیم و به بیمارستان پارسا بردیم. وقتی به آنجا رسیدیم پذیرش کردند و بلافاصله دکتر گفت باید عمل شود. عمق جراحت خیلی زیاد بود. چندین ساعت در اتاق عمل ماندند و حدود ساعت ۱۲ شب بود که دکتر از اتاق عمل بیرون آمد. وقتی وضعیت دخترم را پرسیدم، گفت دعا کنید. گفت طحال و یک کلیه‌اش را خارج کرده‌اند. وضعیت روده‌هایش هم خوب نبود و جراحت به آنجا هم رسیده بود و تا جایی امکان داشت آن را ترمیم کرده بودند، دکتر گفت بقیه‌اش با خداست، فقط دعا کنید. ما همگی در بیمارستان منتظر بهبود دخترم بودیم که گفتند او فوت کرده است. پدر گیتی که به‌شدت ناراحت بود ادامه داد: چندین بیمارستان دخترم را رد کردند، شاید اگر آنها قبول می‌کردند وضعیت دخترم این‌طور نمی‌شد و او زنده بود. او درباره نحوه سرقت گفت: من خودم زمان سرقت آنجا نبودم، اما وقتی دوربین صرافی را بازبینی کردم متوجه شدم فرد سارق وارد مغازه شده و به سمت دخترم حمله کرده است. بلافاصله گیتی به سمت آژیر رفته و آن را به صدا درآورده است. مرد سارق هم دخترم را با چاقویی که در دستش بوده زده و دلارها را برداشته و فرار کرده است.

درحالی‌که تحقیقات گسترده‌ای دراین‌باره انجام شد، اما مأموران موفق به بازداشت مرد قاتل نشدند و بعد از گذشت چند سال از ماجرا، اولیای‌دم دختر جوان به دادسرا مراجعه کرده و از بیت‌المال درخواست دیه کردند؛ هرچند اعلام کردند همچنان بر شکایت خود برای دستگیری قاتل باقی هستند.

آغاز تحقیقات برای مشخص‌شدن علت مرگ کودک ۲ساله

شرق: والدین کودک دو ساله‌ای که به‌دلیل مصرف متادون جان خود را از دست داده است برای توضیح به دادسرای جنایی تهران آمدند. به گزارش خبرنگار ما، خردادماه امسال والدین کودک دو ساله‌ای او را به علت تشنج به بیمارستان بردند. مادر کودک دو ساله که امیر نام داشت در توضیح ماجرا گفت: پسرم سرما خورده بود و حالش خوب نبود، اما ما او را دکتر نبردیم، چون فکر می‌کردیم به‌مرور بهتر می‌شود، روز حادثه حدود ظهر به او غذا و آب‌میوه دادم و او را جلوی تلویزیون روی کاناپه گذاشتم تا کارتون ببیند، بعد از مدتی که سراغش آمدم دیدم حالش اصلا خوب نیست و تکان نمی‌خورد، برای همین همسرم که از بیرون آمد فوری پسرم را به بیمارستان بردیم.

پزشکان در معاینات اولیه علت حال بد و تشنج کودک دو ساله را مسمومیت تشخیص دادند، اما با وجود اقدامات درمانی کودک زنده نماند. پس از آن مسئولان بیمارستان موضوع را به پلیس مستقر در بیمارستان اطلاع دادند و با تشکیل پرونده‌ای موضوع به بازپرس کشیک قتل اطلاع داده شد و بازپرس مدیرروستا که در زمان وقوع حادثه عهده‌دار کشیک قتل پایتخت بود، با صدور دستورات اولیه جسد را به پزشکی قانونی فرستاد.

همچنین از مادر و پدر کودک فوت‌شده درباره علت و نحوه مسمومیت سؤال‌هایی پرسید، اما آنها موضوع مسمومیت را به کل منکر شدند و گفتند: فرزندمان مسموم نشده و به‌خاطر سرماخوردگی دچار تشنج شده است، اصلا قرص یا دارویی در دسترس او یا روی میز نبوده است که او خورده و مسموم شده باشد.

در ادامه نیز مادر امیر درباره سابقه تشنج فرزندش گفت: قبل از این هم سابقه تشنج شدید داشته است، یک بار که به مشهد رفته بودیم، حال بچه‌ام بد شد و ما با این فکر که بیماری ساده‌ای است و خودبه‌خود خوب می‌شود، او را دکتر نبردیم، اما او تشنج شدیدی کرد و بعد از مدتی هم حالش بهتر شد.

این مادر و پدر در پاسخ به سؤال‌های بازپرس شعبه ششم دادسرای جنایی تهران گفتند: ما یک دختر شش‌ساله هم داریم و تمام توانمان را برای مراقبت از فرزندانمان گذاشته‌ایم، در این مدت هم کسی به خانه ما نیامده و ما هم جایی نرفته‌ایم.

روز گذشته نتیجه آزمایش‌های پزشکی قانونی روی جسد کودک دو ساله به دست بازپرس جنایی رسید و در آن آمده بود که کودک دو ساله بر اثر مسمومیت با داروی متادون جان خود را از دست داده است؛ به این ترتیب بازپرس مدیرروستا بار دیگر پدر و مادر این کودک را احضار کرد تا درباره اینکه چرا فرزندشان متادون مصرف کرده است توضیح دهند. این در حالی است که زوج جوان مدعی هستند هیچ‌کدام اعتیاد ندارد. تحقیقات دراین‌باره ادامه دارد.

رخداد

حمله به ۶ بانک و صرافی تهران با تفنگ ساچمه‌ای

● **میزان:** رئیس پلیس تهران از حمله چند نفر به بانک‌های تهران و صرافی‌ها با تفنگ ساچمه‌ای تا صبح روز گذشته خبر داد. سردار حسین رحیمی روز شنبه در حاشیه مراسم صبحگاه نیروی انتظامی در جمع خبرنگاران از حمله چند نفر به بانک‌های تهران خبر داد و گفت: از روز جمعه تا صبح روز گذشته چند نفر به شش بانک و صرافی شمال شهر (عمدتا حوالی میدان ونک) حمله کرده و اقدام به شکستن شیشه این بانک‌ها با استفاده از تفنگ ساچمه‌ای کرده‌اند. او ادامه داد: بلافاصله پس از اطلاع پلیس، تحقیقات دراین‌باره آغاز و دو نفر در این رابطه دستگیر شده‌اند. رئیس پلیس تهران گفت این پرونده در دستور کار مأموران قرار داشته و تلاش برای دستگیری سایر متهمان ادامه دارد. او تأکید کرد: این موضوع امنیتی نبوده و افراد دستگیرشده اعلام کردند به علت بی‌کاری و مشکلات مالی دست به این کار زده‌اند. به گفته رحیمی این افراد به هم مرتبط نیستند و این اقدام به هیچ‌وجه امنیتی نیست.

۳ خودرو در آتش‌سوزی یک ساختمان مسکونی سوختند

● **ایرنا:** سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران گفت: سه دستگاه خودرو در آتش‌سوزی پارکینگ یک ساختمان شش‌طبقه واقع در شهرک ولیعصر(عج) سوختند. سیدجلال ملکی افزود: ساعت ۵:۰۶ صبح دیروز حادثه آتش‌سوزی در شهرک ولیعصر(عج) به سامانه ۱۲۵ اعلام و مأموران سه ایستگاه آتش‌نشانی به همراه تجهیزات لازم به محل اعزام شدند. وی اظهار کرد: در این حادثه طبقه همکف (پارکینگ) یک ساختمان مسکونی دچار حریق شده بود که سه دستگاه خودرو (پژو ۲۰۶؛ جک شاسی‌بلند و سانتافه) در آتش سوختند. ملکی با اشاره به وجود شش دستگاه خودرو در این طبقه از پارکینگ ساختمان گفت: تلاش آتش‌نشانان مانع از سرایت آتش به دیگر خودروها و همچنین طبقه منفیِ یک این ساختمان شد. او با بیان اینکه دود غلیظ ناشیِ از آتش‌سوزی ساختمان را فرا گرفته بود اظهار کرد: آتش‌نشانان در همان لحظات اولیه هشت نفر از ساکنان را با استفاده از نردبان هیدرولیکی از ساختمان خارج کردند. او تصریح کرد: در مجموع نیروهای آتش‌نشان ضمن مهار آتش، ۲۰ نفر از ساکنان ساختمان (۱۳ مرد و هفت زن) را به سلامت از ساختمان خارج کردند. به گفته ملکی، علت وقوع این آتش‌سوزی از سوی کارشناسان در حال بررسی است.

توقیف پژو ۴۰۵ با ۷۰۰ کیلوگرم تریاک در کرمان

● **پلیس:** فرمانده انتظامی استان کرمان از کشف ۷۰۰ کیلوگرم تریاک از سوی مأموران انتظامی کلانتری ۲۳ شهر کرمان خبر داد. سردار رضا بنی‌اسدی‌فر در تشریح این خبر بیان کرد: مأموران انتظامی کلانتری ۲۳ شهر کرمان حین گشت‌زنی‌های هدفمند و نامحسوس در حوزه استحفاظی به یک دستگاه خودروی پژو ۴۰۵ که به صورت بلاصاحب رها شده بود مشکوک شدند. او تصریح کرد: مأموران انتظامی پس از کسب اجازه از مقام قضائی در بازرسی از خودرو موفق به کشف ۷۰۰ کیلوگرم مواد مخدر از نوع تریاک شدند. فرمانده انتظامی استان کرمان در خاتمه با اشاره به توقیف خودروی مذکور و انتقال آن به پارکینگ یادآور شد: تلاش پلیس برای دستگیری عامل یا عاملان قاچاق در منطقه همچنان ادامه دارد.

دستگیری ۸ نفر به اتهام فعالیت در شرکت‌های هرمی

● **میزان:** دادستان عمومی و انقلاب کرج از دستگیری هشت نفر به اتهام فعالیت در شرکت هرمی خبر داد. رضا شاکرمی، دادستان کرج، گفت: در پی وصول گزارش‌هایی مبنی بر برخی فعالیت‌های هرمی در شهر کرج و با صدور دستور قضائی هشت نفر در این ارتباط دستگیر شدند. وی افزود: در تحقیقات اولیه از این افراد مبلغی بیش از ۱۵۰ میلیون تومان که حاصل فعالیت‌های هرمی بود کشف شد. به گفته دادستان کرج تحقیقات تکمیلی در این پرونده در حال انجام است.

کشف ۳ تُن مواد مخدر گل در قزوین

● **پلیس:** فرمانده انتظامی استان قزوین از کشف سه تُن مواد مخدر از نوع «گل» با انهدام یک باند در استان خبر داد. سردار «مهدی محمودی» اظهار کرد: مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر به دنبال اطلاع از فعالیت یک باند توزیع مواد مخدر «گل» در حجم بالا در یکی از شهرستان‌های استان، موضوع را در دستور کار خود قرار دادند. این مقام ارشد انتظامی افزود: در اقدامات اطلاعاتی مشترک پلیس فتا و مواد مخدر ناجا و پلیس استان قزوین، محل دقیق نگهداری مواد مخدر در یک باغ در یکی از شهرستان‌های استان مورد شناسایی قرار گرفت. فرمانده انتظامی استان ادامه داد: مأموران با هماهنگی قضائی و در اقدامی غافلگیرانه محل فعالیت باند و انبار نگهداری مواد مخدر را مورد بازرسی قرار داده و مقدار سه تُن مواد مخدر از نوع گل را کشف کردند.